

جهان: اصطلاحی است که برای اشاره به مجموعه های بزرگ بکار می رود. مانند: جهان طبیعت - جهان اشیاء جهان اسلام - جهان غرب و

جهان اجتماعی: به اعضای جامعه که دارای فرهنگ مشخصی هستند؛ جهان اجتماعی گفته می شود. فرهنگ؛ همان سبک زندگی افراد جامعه است که دارای دو بُعد مادی و غیرمادی است.. فرهنگ مادی دربرگیرنده: تکنولوژی ها، کالاها، خدمات، ابزارها، وسایل و ... است که افراد جامعه برای تأمین نیازهای مادی بکار می روند/ فرهنگ غیرمادی دربرگیرنده: باورها، ارزش ها، سنت ها، آداب و رسوم، مناسبت ها، مراسمات، قوانین و ... که افراد جامعه برای تأمین نیازهای غیرمادی (نیازهای روحی و روانی، عاطفی، ارتباطی و ...) بکار می روند.

منظور از جهان اجتماعی؛ همان جامعه است

مقایسه جهان اجتماعی با بدن موجود زنده (گیاهان و حیوانات) (بدن موجودات زنده را آرگانسیم می نامند).

الف: شباهت ها:

- ۱- هر دو دارای اعضای مختلفی است. مثال: بدن انسان دارای اعضای چون قلب و مغز و دست و پا و ... است. / جامعه هم از اعضای چون؛ کارگر، کشاورز، دانش آموز، معلم و نهادهایی مانند؛ آموزش و پرورش، خانواده، اقتصاد، سیاست و دین تشکیل شده است.
- ۲- در هر دو؛ اعضا به یکدیگر وابسته اند و نیازهای متقابل همدیگر را تأمین می کنند. مثال: در بدن انسان مغز و قلب انسان کاملاً به همدیگر وابسته اند و نیازهای یکدیگر را تأمین می کنند. / در جامعه نیز، اعضا و بخش های مختلف به همدیگر وابسته بوده و نیازهای متقابل همدیگر را تأمین می کنند.
- ۳- در هر دو؛ اعضا؛ نه به گونه ای خودسرانه بلکه در ارتباط با همدیگر عمل می کنند. (مثال، عملکرد قلب و مغز در بدن انسان متناسب با همدیگر صورت می گیرد. نه اینکه هر کدام به صورت خودسرانه عمل کند / در جامعه نیز اعضای جامعه، نه بصورت خودخواسته و خودسرانه بلکه در ارتباط با یکدیگر عمل می کنند).
- ۴- در هر دو؛ اعضا برای رسیدن به هدف مشترک؛ از نظم و چینش مناسبی برخوردار هستند (یعنی؛ هر کدام از اعضا؛ موقعیت و نقش خاص خودش را دارد و روابط میان آنها قاعده مند است). (مثال؛ موقعیت و نقش مغز در بدن انسان مشخص بوده و روابط آن با سایر اعضای بدن، دارای قاعده و نظم است) / در جامعه نیز هر عضوی موقعیت و وظیفه خاص خود را دارد و روابط او با دیگر بخش های جامعه مبتنی بر نظم و قاعده است.

نکته: (منظورمان از اینکه اعضا دارای نظم هستند این است که روابط میان اعضا بر اساس قاعده و قانون است. (نظم: یعنی روابط الگودار و قاعده مند) و منظورمان از چینش مناسب این است که هر عضو بر اساس تخصص خود، سر جای خودش قرار داشته و موقعیت و جایگاه خاص خودش را دارد). **نظم از ویژگی های مهم جهان اجتماعی است**

ب تفاوت ها:

- **عضویت و نظم اعضا در بدن موجود زنده؛ تکوینی است.** یعنی؛ هیچ ربطی به اراده و آگاهی اعضا ندارد (نه با اراده و آگاهی اعضا بوجد می آید و نه با خواست و آگاهی آنها تغییر می کند). مثال؛ قلب و مغز بصورت خدادادی و طبیعی عضو بدن بوده و با هم همکاری می کنند. / در حالیکه در یک جامعه؛ عضویت و نظم در روابط اعضا، قراردادی و اعتباری است. یعنی؛ بر اساس اراده و آگاهی اعضا بوده و حاصل قرارداد و توافق میان آنهاست. مثال: دانش آموز یا معلم با اراده و

آگاهی خود؛ عضوی از نهاد آموزش و پرورش و مدرسه می شوند. نظم و قواعد در نهاد آموزش و پرورش و مدرسه نیز حاصل توافق و قرارداد اعضاست یعنی با اراده و آگاهی آنها؛ بوجود آمده و می تواند تغییر یابد.

- هیچ گونه آگاهی و شناختی در میان اعضای موجود زنده وجود ندارد. مثال: قلب، مغز و کبد در بدن انسان به گونه ای طبیعی و بدون هیچ گونه آگاهی؛ با هم کار کرده و بدن را زنده نگاه می دارند / در حالیکه جهان اجتماعی بر اساس آگاهی و شناخت عمومی و مشترک میان اعضاء شکل می گیرد و تداوم می یابد. (مثال: آگاهی های مشترک میان اعضای جهان اجتماعی در مورد: ارزش ها و قواعد زندگی اجتماعی/ جایگاه ها و نقش های اجتماعی / وظایف و انتظارات متقابل اجتماعی (حقوق و تکالیف متقابل اجتماعی).
- ویژگی های جسمی موجود زنده (قد، رنگ، جنسیت و...) از طریق وراثت منتقل می شود. در حالیکه ویژگی های جهان اجتماعی از طریق فرهنگ به نسل های بعدی منتقل می شود.

نکته: هرگاه یک نسل نتواند فرهنگ خود را حفظ کند یا نتواند آنرا به نسل بعد منتقل سازد؛ جهان اجتماعی آن نسل، فرو می ریزد و با دگرگون شده و جهان اجتماعی دیگری تبدیل می شود.

مقایسه نظم تکوینی و قراردادی (اعتباری)

الف) نظم تکوینی: (نظم موجود در پدیده های طبیعی)

ویژگی ها:

- بصورت ذاتی، طبیعی و خودبخودی وجود دارد.

- غیرارادی و ناآگاهانه است (اعضاء فاقد هرگونه اراده و آگاهی هستند).

- ایجاد یا تغییر آن به اراده اعضاء وابسته نیست.

- اراده و آگاهی انسان در ایجاد آن هیچ نقشی ندارد.

- قواعد و الگوهای ثابتی دارد.

مثال از نظم تکوینی؛ نظم موجود در میان اعضای بدن انسان / در میان اعضای یک درخت و....

ب) نظم قراردادی یا اعتباری: (نظم موجود در پدیده های اجتماعی)

- بصورت ذاتی، طبیعی و خودبخودی وجود ندارد. بلکه بصورت قراردادی و توافقی ایجاد می شود.

- ارادی و آگاهانه است (با اراده و آگاهی اعضاء جامعه بوجود می آید).

- ایجاد یا تغییر آن وابسته به اراده اعضاء است.

- اراده و آگاهی انسان آنرا بوجود می آورد. (با قرارداد یا توافق میان انسان ها ایجاد می شود).

- قواعد و الگوهای آن متنوع بوده و از جامعه ای به جامعه دیگر فرق می کند.

مثال از نظم قراردادی (اعتباری)؛ نظم موجود در میان اعضای یک خانواده، مدرسه، باشگاه و ...

به لحاظ قراردادی و اعتباری بودن نظم در میان اعضای جهان اجتماعی، می توان آنرا به بازی فوتبال تشبیه نمود. نظم موجود در بازی فوتبال یک نظم قراردادی یا اعتباری است. همانند نظمی که در جامعه وجود دارد. بدین ترتیب که :

الف) عضویت و نقش هر کدام از بازیکنان و سایر عوامل مشخص شده و توسط خودش و دیگران پذیرفته شده است. (یکی دروازه بان - یکی بازیکن خط حمله - یکی مربی - یکی داور - یکی تماشاچی و) در جامعه هم همینطور است. یکی کارگر - یکی کارمند - یکی دانش آموز و ... است.

ب) در بازی فوتبال؛ همه بازیکنان، تماشاگران و داوران؛ آگاهی های مشترکی دارند. یعنی می دانند بازی فوتبال چه قواعدی دارد و ... در جامعه هم همینطور است؛ افراد جامعه از قواعد و قوانین اجتماعی آگاهند

ج) در بازی فوتبال؛ بازیکنان و تماشاگران و داوران و ... وظایف و انتظارات یکدیگر را می شناسند و آنها را می پذیرند. در جامعه هم افراد مختلف جامعه وظایف و توقعات یکدیگر را می دانند و می پذیرند.

بنابراین همانطور که نظم در بازی فوتبال (بعنوان یک پدیده اجتماعی) قراردادی یا اعتباری است. نظم در کل جامعه و بخش های مختلف جامعه هم قراردادی و اعتباری است. نظمی است که با آگاهی و اراده انسانها ایجاد شده (نظمی است که از طریق قراردادهای اجتماعی و با توافق انسانها ایجاد شده است).

نکته : جهان اجتماعی و نظم آن بر اساس اراده و آگاهی مشترک و عمومی اعضاء شکل می گیرد نه بر اساس اراده و آگاهی فردی و خصوصی. به مجموعه آگاهی های مشترک اعضاء جامعه: فرهنگ گفته می شود.

توضیحاتی راجع به فرهنگ

فرهنگ :

سبک زندگی مجموعه ای از انسانهاست که سالیان متمادی با یکدیگر زندگی می کنند. برای مثال: نوع خوراکی ها / پوشش ها / گویش ها / آداب و رسوم مربوط به تولد، عروسی، عزاداری / شیوه های گذران اوقات فراغت / شیوه های آموزش (یاددهی - یادگیری) / باورها و ارزش های اخلاقی، نگرش به جهان و انسان و .. نمایانگر فرهنگ جامعه می باشند.

فرهنگ عمومی: آن بخش از فرهنگ (سبک زندگی جمعی) که همه اعضای جامعه در آن اشتراک دارند؛ فرهنگ عمومی نامیده می شود. (به عبارت ساده تر: فرهنگ عمومی: به عقاید، ارزش ها، هنجارها، سنت ها، آداب و رسوم و مهارت های عمومی (مشترک میان تمام اعضاء) در جامعه گفته می شود).

خرده فرهنگ: بخشی از فرهنگ (سبک زندگی جمعی) که مربوط به یک قوم / قشر / صنف / گروه و ... است؛ خرده فرهنگ نامیده می شود. (به عبارت ساده تر: خرده فرهنگ: به عقاید، ارزش ها، هنجارها، سنت ها، آداب و رسوم و مهارت هایی گفته میشود که عمدتاً در میان یک قومیت / قشر / صنف و ... رواج دارد). مثال: خرده فرهنگ آذری ها / کردها و ... خرده فرهنگ بازاریان / معلمان / پزشکان و ..

خرده فرهنگ ها به دو گونه موافق و مخالف تقسیم می شوند:

خرده فرهنگ موافق: خرده فرهنگی که عقاید، ارزش ها، هنجارها، سنت ها و مهارت های پذیرفته شده در آن، غالباً با فرهنگ عمومی سازگار می باشد. مثال: خرده فرهنگ معلمان / ترک ها و ...

خرده فرهنگ مخالف (ضد فرهنگ): خرده فرهنگی که عقاید، ارزش ها، هنجارها، سنت ها و مهارت های پذیرفته شده در آن، غالباً با فرهنگ عمومی ناسازگار می باشد. مثال: خرده فرهنگ تبهکاران / سارقان و ...

گستره جهان اجتماعی : شامل پدیده های طبیعی و مافوق طبیعی است که در درون جهان اجتماعی نمی باشند. اما تأثیرات مهم و تعیین کننده ای بر زندگی اجتماعی انسانها و کنش های اجتماعی آنها دارند.

مثال: پدیده های طبیعی مانند زلزله یا خشکسالی را در نظر بگیرید. به نظر شما به چه دلیلی این پدیده ها در گستره جهان اجتماعی جای می گیره. با اندکی دقت مشخص میشه. کافیه به تاثیراتی که زلزله و خشکسالی در زندگی و کنش های اجتماعی انسانها می گذاره توجه کنید. بخاطر امکان زلزله انسانها خانه های خود را بگونه ای می سازند که مقاوم تر باشند/ بخاطر خشکسالی انسانها انبارها و سوله هایی را برای ذخیره گندم و ... می سازند / به خاطر خشکسالی؛ انسانها راه هایی را برای رسیدن به آب های زیرزمینی ابداع می کنند. مانند قنات و ...

بنابراین زلزله و خشکسالی هر چند پدیده های طبیعی هستند اما بدلیل ارتباطی که با زندگی انسانها دارند؛ بدلیل تاثیراتی که بر زندگی انسانها می گذارند؛ در گستره جهان اجتماعی جای می گیرند.

مثال دیگر : پدیده های مافوق طبیعی مانند خداوند- فرشتگان و بر زندگی انسانها و کنش های اجتماعی آنها تاثیرات مهمی می گذارند. مثال : انسانها برای پرستش خدا مسجد - کلیسا و ... می سازند / مراسم مذهبی برگزار می کنند - نذری می دهند و بنابراین این پدیده های مافوق طبیعی هم بدلیل ارتباط با زندگی انسانها و تاثیر در کنش های اجتماعی آنها در گستره جهان اجتماعی جای می گیرند.

بطور کلی : هر پدیده های که بیرون از جهان اجتماعی قرار دارد (پدیده های طبیعی و مافوق طبیعی) بدلیل ارتباطی که با زندگی اجتماعی انسانها پیدا می کند. در گستره جهان اجتماعی جای می گیرند.

مثال هایی از پدیده های طبیعی و مافوق طبیعی که در گستره جهان اجتماعی قرار می گیرند :

سیل - زلزله - سونامی / آلودگی هوا / ریزگردها/ خشکسالی و(بدلیل ارتباط و تاثیری که بر زندگی و کنش های اجتماعی انسانها دارند. در گستره جهان اجتماعی جای می گیرند). کافیه به تاثیراتی که تک تک این پدیده ها روی زندگی اجتماعی انسانها دارند کمی فکر کنید. بلافاصله متوجه خواهید شد که این پدیده های طبیعی چقدر در زندگی انسانها تاثیر دارند.

دقت کنید. پدیده ای در گستره جهان اجتماعی قرار می گیرد که به نوعی با زندگی انسان ارتباط داشته و بر کنش های اجتماعی انسانها (فعالیت های اجتماعی) انسانها تاثیرگذار باشد.

مثال : فلزات: فلزات را انسانها خلق نکرده اند. تمامی فلزات در طبیعت توسط خداوند خلق شده است. اما کشف این فلزات توسط انسان تاثیرات زیادی بر زندگی او گذارده است. کافیه به تاثیر فلز طلا در زندگی بنگرید.

ستارگان: ستارگان در گذشته در مسیریابی بسیار کاربرد داشتند. اکنون هم که علمی بنام ستاره شناسی هست / انواع تجهیزات مربوط به ستاره شناسی را انسانها ساخته اند و این موارد همگی نشان از ارتباط ستاره ها با زندگی انسان دارند.

گروه آموزشی عصر

برای جمع بندی این بحث :

پدیده ها را می توان به ۲بخش تقسیم کرد :

الف) پدیده های اعتباری: شامل کنش و پیامدهای آن است. پدیده هایی که در درون جهان اجتماعی جای می گیرند : پدیده هایی که توسط انسانها و با اراده و آگاهی مشترک آنها ایجاد شده اند. مثال : باورها - ارزش ها - هنجارها - سنت ها - خانواده ها - ادارات - پارک ها - سینماها - اتوموبیل ها، ترافیک و

ب) پدیده های تکوینی: پدیده هایی که انسان آنها را ایجاد نمی کند، بلکه بواسطه ارتباطی که با زندگی انسان دارند، به جهان اجتماعی راه می یابند و در گستره جهان اجتماعی جای می گیرند : پدیده های طبیعی و مافوق طبیعی که توسط انسانها ایجاد نشده اند. اما بر زندگی و کنش های اجتماعی انسانها تاثیر می گذارند. مثال : سیل - زلزله = خشکسالی - سونامی - رودخانه - کوه - ستارگان - فلزات و خداوند- فرشتگان و

بنابراین هر پدیده تکوینی؛ اعم از طبیعی یا مافوق طبیعی به محض اینکه با زندگی انسانها ارتباط داشته یا تاثیری بر زندگی اجتماعی انسانها بگذارد وارد گستره جهان اجتماعی می شود.

گستره جهان اجتماعی؛ به اندازه دانش و توانایی اعضای جهان اجتماعی است. (مرزهای جهان اجتماعی همان مرزهای دانش آن است). هر چقدر جهان اجتماعی شناخت صحیح بیشتری از پدیده های اجتماعی / طبیعی و مافوق طبیعی داشته باشد و اعضای آن بر اساس این شناخت های صحیح زندگی کنند. زندگی اجتماعی بشر در مسیر خوشبختی و سعادت بیشتری قرار می گیرد.



مای درس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir